

بررسی تطبیقی امنیت اخلاقی در اسلام و اسناد حقوق بشر

حسین جوان آراسته^۱

احسان سعیدی صابر^۲

پذیرش نهایی: ۹۶/۶/۱

دریافت: ۹۶/۳/۱۵

چکیده

با وجود اشتراکات بین حقوق بشر در اسلام و حقوق بشر معاصر، به دلیل تفاوت در مبانی مکتب اسلام و مکاتب غربی، تفاوت‌های اساسی بین این دو نیز وجود دارد. موضوع امنیت اخلاقی، عنوانی است که در سال‌های اخیر در سطح جامعه اسلامی ایران مطرح گردیده و راجع به آن بسیار سخن رفته است. هرچند این اصطلاح در جوامع غربی با این عنوان شناخته شده نیست، اما آن را می‌توان ذیل عنوان امنیت اجتماعی قرار داد. به دلیل تفاوت نگاه به فرد و جامعه، تفاوت‌هایی میان امنیت اخلاقی در اسلام و حقوق بشر معاصر وجود دارد. تأکید بر حق همراه با تکلیف، امنیت هویت انسانی، ارزش‌ها، فضائل اخلاقی، عفاف، پاکدامنی، مصونیت خانواده از تهدیدات ناامنی اخلاقی، حرمت نگاه‌های هوس‌آلود، تنظیم روابط بین زن و مرد و تأکید بر موضوع امر به معروف و نهی از منکر با رعایت حریم خصوصی افراد، از مهم‌ترین موضوعات مربوط به امنیت اخلاقی در مکتب اسلام است. در موادی از اسناد حقوق بشر (با تأکید بر اعلامیه جهانی و میثاقین) به موضوع رعایت اخلاق در برخی از آزادی‌های بشر اشاراتی صورت گرفته است. در بررسی این موضوع در دیدگاه‌های متفکران غربی، نظرات کاملاً متفاوت و بعضاً متعارض مشاهده می‌شود، لکن عمده متفکران عصر جدید به دلیل مبانی فردگرایانه و تأکید بر آزادی بیرونی (و نه آزادی) به موضوع امنیت اخلاقی، متفاوت از مکتب اسلام می‌نگرند.

واژگان کلیدی

امنیت اخلاقی. امنیت اجتماعی. اسلام. حقوق بشر معاصر. اسناد حقوق بشر.

۱. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. hoarashteh@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم. ehsansaedisaber@gmail.com

مقدمه

موضوع امنیت اخلاقی عنوانی است که در طی دو دهه اخیر در جمهوری اسلامی ایران رواج پیدا کرده است. شاید بتوان گفت طرح این موضوع در پژوهش‌های دانشگاهی و نیز رسانه‌های مکتوب و دیداری با موضوع نهی از منکر و نیز وظایف دولت (به ویژه نیروی انتظامی) گره خورده است.

بررسی امنیت اخلاقی در اسلام و حقوق بشر معاصر موضوعی جدید در پژوهش‌های دانشگاهی است که مسبوق به سابقه نیست. در این پژوهش سعی شده است ضمن اشاره کوتاهی به مفاهیم مورد نیاز، موضوع امنیت اخلاقی در اسلام به تفصیل مورد بررسی قرار گیرد. ارکان امنیت در اسلام، موضوع همراهی حق و تکلیف، بررسی نگاه به فرد و جامعه در اسلام و امر به معروف و نهی از منکر و اشاره‌ای گذرا به موضوع امنیت اخلاقی در قانون اساسی از موضوعاتی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. در بررسی امنیت اخلاقی در حقوق بشر معاصر، ضمن بیان شرح مختصر تاریخ غرب، موضوع اخلاق در سه سند مهم حقوق بشری بررسی گردیده و نگاه متفکران غربی به موضوع اخلاق و امنیت اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته است.

الف. تعریف امنیت

امنیت در لغت به معنای «آرامش، عدم خوف و ترس، درامن و آسایش بودن و بی بی‌بی، در امان بودن» (معین، ۱۳۸۶: ص ۳۵۴) است.

امنیت حالتی است که به موجب آن، هرکس بدون ترس تهدید به جان، مال و آبروی خود و یا از دست دادن آنها زندگی کند. واژه «امنیت» از وجوه مختلفی برخوردار است که در میان همه این تعاریف دو مورد «وجود اطمینان به سلامت تن، جان، مال و ناموس» و «مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدات یا اقدامات خلاف قانون شخص، گروه یا دولت. «جامع‌تر به نظر می‌رسد. (دارابی، ۱۳۸۲: ص ۱۵۳) در قرآن کریم کلمات هم خانواده با امنیت مانند «ایمان و امانت» در بردارنده مفهوم عدم بیم و هراس و در امان بودن و مصونیت است.

(ترابی، ۱۳۹۳: ص ۶۲)

امنیت اولین انتظاری است که انسانها از حکومت‌ها دارند و با توجه به ابعاد گسترده و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری امنیت بر حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، دارای اهمیت و نقشی بنیادین گردیده است. تحقق مفاهیم مهمی همچون عدالت، رفاه، توسعه سیاسی و اقتصادی و نیز حاکمیت ارزش‌های معنوی، همه در سایه امنیت قابل حصول است و بدون وجود امنیت هیچ‌یک از این مفاهیم قابل حصول نیست.

شهید استاد مطهری به آزادی، تربیت و امنیت به‌عنوان سه مؤلفه اساسی در رشد همه موجودات زنده اشاره می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۵: ص ۶)

امنیت دارای مفهومی بسیار سیال و لغزنده است به گونه‌ای که محمول‌های متعددی را شامل می‌شود، از جمله آن‌ها امنیت اجتماعی^۱ است که دلالت بر مجموعه سیاست‌ها و راه‌کارهایی دارد که هدف آنها ایجاد اطمینان خاطر برای افراد در زندگی جمعی‌شان می‌باشد و معمولاً از آن به تأمین اجتماعی تعبیر می‌شود. (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: صص ۱۷-۱۹)

امنیت از بعد سطح به امنیت فردی^۲، امنیت گروهی^۳ و امنیت ملی^۴ قابل تقسیم است. امنیت فردی عبارت است از مصونیت و حرمت یک شخص از تعرض و تجاوز به حقوق مشروعش. منظور از امنیت گروهی، مصونیت از تهدید گروه‌های مختلف جامعه (مانند خانواده، قوم، قبیله، انجمنها، احزاب و...) است که متناسب با مقتضیات و زمینه‌های قانونی و مشروع پدید آمده باشند. امنیت ملی عبارت است از آسودگی از بیم تهدیدات جدی خارجی، نسبت به منافع حیاتی و اساسی یک کشور. (ترابی، ۱۳۹۳: صص ۶۵ و ۶۶)

تعریف اخلاق

اخلاق در لغت به معنای سرشت و طبیعت باطنی و درونی است. (معین، ۱۳۸۶: ص ۱۷۴) در اصطلاح می‌توان اخلاق را چنین تعریف کرد؛ اخلاق علمی است که از ملکات، صفات خوب، بد، ریشه‌ها و آثار آن سخن می‌گوید. به عبارت دیگر، سرچشمه‌های اکتساب

۱. Social Security

۲. Personal security

۳. group security

۴. national security

این صفات نیک و راه مبارزه با صفات بد و آثار هر یک را در فرد و جامعه بررسی می‌کند. (رفیع و قربی، ۱۳۹۲: ص ۱۴)

اخلاق مشتق از خُلُق است که تنها با ملکه بصیرت و غیر ظاهر قابل درک باشد و خُلُق به شکل و صورت محسوس و قابل درک با چشم ظاهر گفته می‌شود. اخلاق دارای دو جنبه خوب (حسنة) و بد (رذیلة) می‌باشد. اخلاق خوب ملکاتی نهادینه شده هستند که منشأ کارهای نیک و پسندیده هستند و اخلاق بد ملکاتی نهادینه شده‌اند که منشأ کارهای زشت و ناپسند و مذموم می‌باشند. علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آنها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات بد و اعمال ناپسند انسان را نشان می‌دهد. کیفیت و نوع تربیت و پرورش انسان، مبنای شکل‌گیری نوع اخلاق و نهادینه شدن خلق و خوی وی می‌باشد. تربیت صحیح و منطقی مبتنی بر ارزش‌های والا مبنای اخلاق حسنة و تربیت نادرست مبنای اخلاق رذیلة و ناپسند است. نوع رفتارها و کنش‌ها و واکنش‌های انسان متأثر از نوع و کیفیت تربیت و اخلاق وی می‌باشد. (ترابی، ۱۳۹۳: ص ۶۲)

۱. امنیت اخلاقی و اهمیت آن

امنیت اخلاقی را می‌توان ارزش‌های اخلاقی عمومی حاضر در جامعه، مانند عفت عمومی و شخصی در مقابل برهنگی و هرزگی تعریف نمود. (رضایی، ۱۳۹۰: ص ۱۲۳) مراد از امنیت اخلاقی آرامشی است که به ویژگی‌ها و ملکات اکتسابی انسان‌ها که دائمی و مقدس‌اند، متکی می‌باشد. خاستگاه اصلی این امنیت درون و جان آدمی است ولی کارکرد بیرونی و جمعی نیز دارد. امنیت اخلاقی، امنیت فرهنگی، امنیت اجتماعی و مقابله با مفاسد اخلاقی و حفظ ارزش‌ها مهم‌ترین عبارات کاربردی در رابطه با مفهوم، امنیت اخلاقی است.

امنیت اخلاقی، امنیت ناشی از کیفیت نفسانی و رفتارهای انسان‌ها و کنش‌گران در روابط اجتماعی است و منظومه‌ای است مشتمل بر: امنیت هویت انسانی، فرهنگ، هنجارها، ارزش‌ها، فضائل اخلاقی، آبرو و منزلت، عفاف و پاکدامنی، شرم و حیاء، کرامت انسانی و

عدم نگاه جنسی به زنان، سلامت فضای جامعه از محرک‌های شهوانی، مصونیت تعرض به نوامیس مردم، سلامت فضا و محیط زیست فرهنگی، عدم شیوع مصرف مشروبات الکلی، سالم‌سازی سینما، فضای مجازی، اینترنت، مدهای لباس و پوشش و آرایش، مدیریت روابط زن و مرد در چارچوب مرزهای شرعی و عدم اختلاط آنان و مصونیت خانواده از تهدیدات نامنی اخلاقی و تبلیغ سازماندهی شده سبک زندگی اسلامی در ابعاد مادی و معنوی آن. می‌توان گفت «امنیت اخلاقی» بنیان سایر مؤلفه‌ها در امنیت است. اگر امروز از افزایش گسست میان حاکمیت و مردم، افزایش شکاف طبقاتی، نابرابری و تبعیض، به حاشیه راندن نهضت عدالت خواهی، گسست بین نسلی، بالا رفتن سن ازدواج، رشد طلاق، گسترش اعتیاد، افزایش ایدز، دختران فراری و... سخن گفته می‌شود باید یکی از عوامل اصلی آن را در عدم توجه به «اخلاق» جستجو کرد. «امنیت اخلاقی» به عنوان پایه و بنیاد مباحث امنیتی است و از این حیث که «اخلاق» در نظام دینی روح حاکم بر رفتار و رسیدن به جامعه اخلاقی هدف غایی است، این پدیده‌ی مهم به مصداق حدیث شریف «بعثت لأتمم مکارم الأخلاق» مورد توجه ویژه قرار دارد. (دارابی، ۱۳۸۲: ص ۱۵۸) برای «شاخصه‌های یک جامعه امن» معیارهای فراوانی وجود دارد؛ کاهش شکاف فقیر و غنی، مبارزه با فساد و رانت جویی، گسترش عدالت اجتماعی، مشارکت مردم و... اما «رشد فضایل اخلاقی» بی‌تردید در صدر جامعه امن قرار دارد.

تأکید بر این نکته ضروری است که در امنیت اخلاقی، اجزای بیرونی نقش تعیین‌کننده و محوری نداشته و نقشی تبعی دارند. ضمانت اصلی از درون و جان آدمی برمی‌خیزد و نمی‌توان با ضابطه، قانون، مأمور، تحکم و اجبار افراد را متخلق نمود و به آرامش روحی و روانی رساند، لکن می‌توان با بکارگیری قوه قهریه و ضمانت اجرای حقوقی مانع کسانی شد که مخل امنیت اخلاقی دیگران اند و حریم خصوصی دیگران را تهدید، تعدی و تجاوز می‌نمایند.

هرچند در جوامع غربی واژه امنیت اخلاقی اصطلاح چندان شناخته شده‌ای نیست لکن به نظر می‌رسد در تقسیم‌بندی موضوع، امنیت اخلاقی را می‌توان از شاخه‌های امنیت اجتماعی به شمار آورد. امنیت اجتماعی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها و ملت‌ها بوده و

هست. امنیت ملی با امنیت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی دارد؛ زیرا هر نوع تهاجم خارجی به حریم ملی، امنیت اجتماعی را مختل می‌سازد و برعکس هر نوع ناامنی در سطح جامعه، شرایط را برای تخریب و تضييع امنیت ملی آماده می‌سازد. مهم‌ترین بعد امنیت اجتماعی، امنیت انسانی است که تأمین این امنیت از کار ویژه‌های مهم هر نظام سیاسی است. وقتی فرهنگ و ارزش‌های جامعه به نوعی دستخوش تغییر و تهدید شوند باید منتظر خطرات احتمالی آن بود. از این جهت، آن‌چه که اهمیت پیدا می‌کند طرز برخورد با خطرها، احتمال و مدیریت کردن این خطرات می‌باشد. (ذاکراصفهانی و صادقی، ۱۳۸۷: ص ۵۱) صاحب‌نظران اعتقاد دارند که کالبدشکافی وجوه امنیت اخلاقی و اجتماعی، بدون در نظر گرفتن تعامل ظریف و پیچیده آنها با امنیت روانی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و نقد ساختار هر یک از اجزای یاد شده در کلیت جامعه و نظام امکان‌پذیر نیست. (صادقی و یزدانی، ۱۳۸۹: ص ۵۳)

امنیت اخلاقی در اسلام

از نگاه اسلامی «امنیت» به مثابه نعمت و هدیه‌ای خدادادی است که قدر و منزلت آن برای مردم نامعلوم است. برخی روایات اسلامی شرط مسلمان بودن را «در امان بودن مردم از دست و زبان دیگران» بر شمرده‌اند. «وفای به عهد»، «احترام به سوگند»، «پرهیز از ریاکاری و نفاق»، «حسن خلق»، «نوع دوستی»، «ایثارگری» و... همه از مفاهیم ارزنده مرتبط به این موضوع در دین اسلام است. (دارابی، ۱۳۸۲: ص ۱۵۶)

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: بدترین جاها برای سکونت جایی است که ساکنانش در آن امنیت نداشته باشند. (غررالحکم و دررالکلم، ح ۵۷۱۲)

آیه ۵۵ سوره مبارکه نور، امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت می‌شمرد.^۱ مهم‌ترین رکن امنیت در آموزه‌های قرآنی، توحید و ایمان

۱. «خدا به کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داد که در روی زمین جانشین دیگرانشان کند، هم چنان که مردمی را که پیش از آنها بودند جانشین دیگران کرد. و دینشان را - که خود برایشان پسندیده است - استوار سازد و وحشتشان را به ایمنی بدل کند. مرا می‌پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی‌کنند و آنها که از این پس ناسپاسی کنند، نافرمانند.»

به خدا ذکر شده است. متعهد بودن انسان در برابر خدای تعالی از یک سو و تعهد او در قبال هممنوعان، رفتارها و کردار او را برمدار خیرخواهی و رفتارهای نیک قرار می دهد. بنابراین افراد و جامعه از ناحیه او احساس اطمینان و آرامش کرده و در نتیجه احساس امنیت می کنند. وفاداری به خدا و دیگران و وفاداری برپیمانها و معاهدات از مصادیق عینی مقوله تعهد به شمار می روند. (ترابی، ۱۳۹۳: ص ۷۰)

بررسی موضوع امنیت اخلاقی در اسلام نیازمند شناخت برخی از مبانی و مفاهیم مهم در اسلام است که در این مجال به تبیین برخی از آنها پرداخته می شود.

۱-۲. اصالت فرد و جامعه

یکی از تفاوت‌هایی که در مکتب اسلام و مکاتب غربی قابل بررسی و تأمل است موضوع اصالت فرد و جامعه است.

در نظام اسلامی فرد و جامعه هر دو اصیل هستند بدین معنی که همه افراد از تمام حقوق و آزادی‌های معقول فردی تا آن حد که به مبانی و شئون جامعه اسلامی لطمه و صدمه‌ای وارد نکنند برخوردارند. مسئولیت همگانی، شاخصه دیگر امت اسلامی است که بر اساس آن همه افراد اولاً مسئول تمام اعمال نیک و بد خویش هستند و ثانیاً تعهدات و مسئولیت‌های متعددی را برای حفظ سلامت جامعه و اعضای آن برعهده دارند. (هاشمی، ۱۳۹۳: صص ۱۰۶ و ۱۰۷) سخن از این است که آیا هدف نهایی در زندگی بشری دستیابی فرد به سعادت و کمال است یا آن که هدف نهایی عبارت از رسیدن جامعه به سرمنزل تعالی و خوشبختی است؟ اگر بیان شود هدف رسیدن فرد به سعادت است بدین معناست که اصالت را در نظام غایی، از آن فرد می دانیم و اگر گفته شود که هدف، وصول جامعه به کمال است، بدین معناست که در چنین جامعه‌ای اصالت از آن جامعه است. کسانی که در محدوده بسته هوی و هوس خویش به چیز دیگری نمی اندیشند، تنها بر اساس فرضیه اصالت فرد عمل می کنند و گروه دیگر که از مدار خودبینی بیرون آمده و به آزادی نسبی رسیده‌اند، اصالت را از آن جامعه می دانند، در تفکر اسلامی دیدگاه دیگری وجود دارد که الهیون و موحدانند و از هر دو زندان فرد

و اجتماع‌رهایی جسته‌اند و به اوج مکتب الهی بار یافته‌اند. از ویژگی‌های این گروه آن است که در امور مادی، همواره دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند، ولی در امور معنوی که با راحت و آسایش دیگران ناسازگاری ندارد، می‌کوشند که پیش‌رو باشند و بر دیگران پیشی جویند. در این نظام برای تعالی روح خود باید به جامعه احسان کرد و اصالت فرد با مفهومی جدید رخ می‌نمایاند، انسان‌های برتر، جامعه را می‌سازند و اصالت از آن‌هاست. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: صص ۱۷۱ تا ۱۷۳)

در ادیان و مذاهب انسان به عنوان موجودی والا و ارزشمند مورد توجه قرار گرفته است و بر اساس قرآن کریم انسان‌ها با کرامت خلق شده‌اند. با وجود این امر اساسی که می‌توان از آن به عنوان آب حیات حقوق بشر یاد نمود، ادیان و مذاهب آزادی فردی را محدود می‌کنند و از نظر اعتقادی و اخلاقی، تکالیف انسان‌ها بر حقوق آن‌ها غلبه پیدا می‌کند. (هاشمی، ۱۳۹۳: ص ۷۴)

۲-۲. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از وجوه ممیزه بین اسلام و حقوق بشر معاصر در زمینه امنیت اخلاقی موضوع مهم و مبنایی «امر به معروف و نهی از منکر» است.

در حوزه زندگی خصوصی، اسلام با سفارش موکد به ممنوعیت تجسس و تفتیش، وظیفه مسلمانان را تعیین و با صراحت، تجسس را تحریم نموده است «و لا تجسسوا»^۱. امام صادق علیه السلام در نامه‌ای به نجاشی بیان فرمودند: «لغزش‌های مومنان را پی‌گیری نکنید که هرکس این‌گونه باشد، خداوند علاوه بر آخرت، در همین دنیا او را مفتضح خواهد کرد.» (قرائتی، ۱۳۷۵: ص ۱۴۱) هرچند مقتضای دین‌داری حوزه عمومی و خصوصی ندارد لکن هیچ‌کس حق ندارد دین‌دار را در زندگی خصوصی خود، به انجام وظایف دینی مجبور کند هر چند معصیت، انتخاب او باشد. حوزه عمومی حوزه‌ای است که در آن امری مخفی و غیرقابل دسترس نیست و تدبیر و سامان و تصمیم‌گیری در مورد آن نیز حق همه شهروندان است. اسلام

در این حوزه مقرراتی دارد و مسلمانان ملزم به رعایت آن هستند. (کدیور، ۱۳۸۷: صص ۵۲ تا ۵۶) در اسلام، آن چه به حوزه خصوصی یک فرد برمی‌گردد، مربوط به خود اوست لکن در حوزه عمومی یک جامعه اسلامی، محدودیت‌هایی در لباس، روابط جنسی، خوردن و آشامیدن، روابط اقتصادی و مسائل عبادی ساکنان آن مشاهده می‌شود. براساس فریضه امر به معروف و نهی از منکر، ساکنان جامعه اسلامی مجاز نیستند در حوزه عمومی مرتکب گناه علنی شوند یا تظاهر به گناه کنند و در صورت ترک واجبات یا ارتکاب محرمات می‌باید منتظر ابراز نارضایتی یا تذکر زبانی و احیاناً با شرایطی برخورد فیزیکی باشند. (همان: ص ۴۹)

امر به معروف و نهی از منکر، در آموزه‌های دینی از جایگاهی بس بلند و ویژه‌ای برخوردار است. اساس نبوت پیامبران الهی بر امر به معروف و نهی از منکر استوار بوده است. از این رو، قرآن کریم نخستین وظیفه همه انبیاء را امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرده است: «ولقد بعثنا فی کل امة رسولاً ان اعبدو الله و اجتنبو الطاغوت فممنهم من هدی الله و ممنهم من حقت علیه الضلاله فیسروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین»^۱

از منظر اسلام، هیچ عملی نمی‌تواند با دو فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر، برابری کند. امت اسلامی، هنگامی بهترین امت‌هاست که به این دو واجب شرعی عمل کند. «کنتم خیرامه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله و لو امن اهل الکتاب لکان خیرا لهم منهم المؤمنون و اکثرهم الفاسقون»^۲ انگیزه بعثت انبیاء تزکیه و تهذیب نفوس انسان‌ها بوده است و این مهم در پرتو امر به معروف و نهی از منکر حاصل می‌شود و نتیجه عمل به این مهم، امنیت اجتماعی و امنیت اخلاقی است. برای وصول به این هدف، در یک جامعه اسلامی می‌بایست از باب «تعمیم نظارت همگانی» امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ترویج و به عنوان یک فریضه‌ی دینی و وظیفه‌ی شهروندی فراگیر گردد.

۱. آیه ۳۶ سوره نوز: «ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید! خداوند گروهی را هدایت کرد و گروهی ضلالت و گمراهی دامان‌شان را گرفت پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود»

۲. آیه ۱۱۰ سوره آل عمران: «شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند. (چه این‌که) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی) ایمان آورند، برای آنها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند، و بیشتر آنها فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار)»

۳. امنیت اخلاقی در قانون اساسی

در بخش موضوع امنیت اخلاقی بررسی این امر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سند بالادستی یک نظام اسلامی مفید فایده است. در بررسی اجمالی این سند مهم می‌توان جهت‌گیری معطوف به امنیت اخلاقی و ارزشی را مشاهده کرد که در متن آن موجود و بروح آن حاکم است.

در قانون اساسی اهمیت امنیت ارزشی و اخلاقی بسیار بیشتر از امنیت سخت‌افزاری یا نظامی است، به‌گونه‌ای که نهادها و مسئولان در نظام جمهوری اسلامی موظف به تأمین امنیت ارزشی و اخلاقی هستند.

بر طبق قانون اساسی، جمهوری اسلامی، نظامی است که برای رسیدن به قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی همه امکانات خود را برای «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی»^۱ و «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی»^۲ به کار می‌گیرد.

بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که توجه به ارکان اخلاق و ارزش در این سند در اولویت بوده و مبارزه با هرگونه بی‌اخلاقی و ارزش‌زدایی بر عهده نظام قرار داده شده است. بر اساس اصل هشتم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر و وظیفه‌ای همگانی است و متقابلاً مردم نسبت به یک‌دیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت عهده‌دار این وظیفه‌اند و علاوه بر دولت، آحاد ملت هم موظف به تأمین امنیت اخلاقی و ارزشی هستند.^۳

۱. هدف نظام جمهوری اسلامی در قسمت اخیر اصل دوم قانون اساسی.

۲. بند ۱ اصل سوم قانون اساسی.

۳. بند ۹ اصل سوم قانون اساسی.

۴. اصل هشتم قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یک‌دیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.» و «المؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر».

با مذاقه در متن قانون اساسی می‌توان به این مهم پی برد که تأمین امنیت اخلاقی و ارزشی می‌تواند به وسیله سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه صورت گیرد که هرکدام، کارویژه خاص خود را دارند. به طور کلی امنیت اخلاقی و ارزشی توسط این قوای سه‌گانه و با توجه به متن قانون اساسی، به وسیله این راه‌کارها قابل تحقق است: ایجاد برابری، رعایت حقوق ملت، حفظ الگوهای سنتی و ارزشی، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با فساد و پدیده‌های ناهنجار اجتماعی، جلوگیری از صدمه و آسیب دیدن اقشار مستضعف، پیشگیری از وقوع جرم، پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی، تحقق بخشیدن عدالت، تدوین قانون براساس موازین شرعی و اسلامی، پاسداری از حقوق ملت در برابر اجانب، زمینه‌سازی رشد فضائل اخلاقی، مبارزه با مظاهر فساد و تباهی، تأمین آزادی‌های مدنی، ایجاد رفاه و کاهش دادن سطح فقر، از بین بردن محرومیت‌ها، گسترش امور تعلیم و تربیت همگانی، افزایش دادن مشارکت مردم در سرنوشت خویش و افزایش روند آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی شهروندان، تقویت روح فرهنگی و اسلامی، توسعه و تحکیم برادری و تعاون در آحاد ملت، عدم تفتیش عقاید و غیره. (رفیع و قربی، ۱۳۹۲: ص ۲۲)

۴. امنیت اخلاقی در غرب و اسناد بین‌المللی حقوق بشر

بررسی امنیت اخلاقی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، در ابتدا مستلزم بازخوانی دیدگاه‌های متفکران غربی در این حوزه است، زیرا این اسناد عمدتاً براساس دیدگاه‌هایی تدوین شده است که متفکران غربی پایه‌گذار آن بوده‌اند. همچنین نگاه مکاتب غربی به مقوله آزادی و اخلاق از موضوعات مهم دیگری است که لازم است قبل از بررسی موضوع در متون اسناد حقوق بشر به آن پرداخته شود.

تاریخ مغرب زمین به سه دوره متوالی تقسیم می‌شود: دوران باستان، قرون وسطی و دوران جدید. آن‌چه امروزه از آن با نام غرب و فرهنگ غربی یاد می‌شود، در واقع همان فرهنگ و فلسفه حاکم بر دوران جدید است. دورانی که با یک نهضت فرهنگی - اجتماعی به نام «رنسانس» در قرن شانزدهم میلادی آغاز شد و در واقع واکنشی در مقابل قرون وسطای مسیحی بود.

رسانس که در آغاز بیشتر جنبه علمی، هنری و ادبی داشت؛ به تدریج به عرصه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز کشیده شد.

از نخستین پیامدهای دوران مدرن، اندیشه انسان‌گرایی یا اومانیزم^۱ بود. یک جهان‌بینی فلسفی و اخلاقی که با نفی هرگونه ماوراءالطبیعه برخوردگرایی و روش علمی تکیه می‌زند. اومانیزم در واقع جریانی بود که در مقابل تفریط مسیحیت در قرون وسطی پدید آمد. اومانیزم‌ها علیه اخلاق مسیحی قیام کردند تا بهره‌وری از انواع لذت‌ها و زیبایی‌های مادی را تجربه کنند و به این ترتیب لذت‌گرایی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر تفکر اومانیزمی قرار گرفت. تفکر اومانیزمی که نخست با ترویج عشق زمینی و فرهنگ برهنگی در نقاشی و مجسمه‌سازی ظهور کرد، به تدریج تمام شئون حیات علمی و عملی غرب را در بر گرفت و به عنوان یکی از پایه‌های اساسی ادبیات و فرهنگ جدید غرب تثبیت و تحکیم گردید. اومانیزم «انسان مادی و زمینی» را تنها موضوع ارزشمند برای تلاش و تفکر می‌داند. (مرجوی. ۱۳۸۹)

یکی دیگر از پیامدهای اومانیزم، سکولاریسم^۲ یا گرایش به پاک‌سازی جامعه و فضای زندگی از قیود و ارزشهای دینی بود، عقیده‌ای مبنی بر جدا شدن نهادهای حکومت و کسانی که برمسند دولت می‌نشینند، از نهادهای مذهبی و مقام‌های مذهبی. چرا که اومانیزم‌ها به دنبال آرمان‌هایی بودند که با دین هیچ ارتباطی نداشته باشد.

از دیگر پیامدهای بدیهی اومانیزم و سکولاریسم، فردگرایی^۳ است. فردگرایی یا فردباوری را می‌توان جهان‌بینی‌ای تصور کرد که فرد در مرکز آن قرار دارد. فردگرایان مدعی هستند که هیچ قدرت بیرونی نباید بر خواسته‌های فردی، مسلط باشد و یگانه معیار حقیقت همان «فرد» است. در اندیشه فردگرایی زندگی هر فرد به خود او تعلق دارد و می‌تواند با آن هرطور که مایل است رفتار کند. در این دیدگاه میل انسانی مهم‌ترین جایگاه را دارد و چنان قدرتی دارد که

۱. Humanism

۲. Secularism

۳. individualism

اخلاق و آرمان‌های اجتماعی نیز باید خود را با آن تطبیق کنند و اساساً سیاست و اخلاق باید بر مبنای امیال شکل گیرد. این در حالی است که در مکتب اسلام، همان‌گونه که در بخش نخست به تفصیل بیان شد نگاه به فرد و جامعه و حقوق و تکالیف، نگاهی متعادل و متفاوت است.

مکاتب غربی بر نسبی بودن اخلاق استوارند و در آن‌ها اصول تربیتی و اخلاق (مانند بسیاری از چیزهای دیگر) مفاهیمی مطلق نیستند، بلکه نسبت به زمان‌ها، مکان‌ها و موقعیت‌ها متغیرند. صواب و خطای اخلاقی در جوامع گوناگون فرق می‌کند و هیچ ملاک اخلاقی عام و مطلقى که برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها الزام آور باشد، وجود ندارد. نمی‌توان گفت چیزی برای همه وقت و هر جا، اخلاق خوب و برای هر جا و همه وقت، اخلاقی بد است. لکن بر اساس نگرش مکتب اسلام به انسان، ارزش‌های نظام اخلاق، مطلق و ثابت هستند مطلق بودن این ارزش‌ها به این معنی است که خواست افراد، گذشت زمان و تفاوت مکان‌ها، آنها را دچار تغییر و تبدیل نمی‌کند. علت ثبات ارزش‌ها و فضایل، انطباق آنها با فطرت ثابت و تغییرناپذیر انسان است.^۱

موضوع اخلاق و امنیت اخلاقی در بین متفکران غربی متفاوت و بعضاً متعارض است. در این بخش به برخی از این دیدگاه‌ها اشاره خواهد شود. نگاه به مقوله «اخلاق» قطعاً در تعریف امنیت اخلاقی و نیز نحوه تأمین آن، اثرگذار خواهد بود.

در زمینه اخلاق، می‌بایست ایمانوئل کانت (فیلسوف بزرگ قرن ۱۸ م) را از سایر اندیشمندان غربی متمایز ساخت. او در خصوص تکالیف انسان نسبت به دیگران معتقد است عالی‌ترین تکالیف، حرمت نهادن به حقوق دیگران است و این موضوع را به عنوان یک امر مقدس ذکر می‌کند. (Kant, ۱۹۹۹) اساس تعالیم اخلاقی این است که ما سعادت خود را در این بیابیم که دیگران را سعادت‌مند ببینیم. (کانت، ۱۳۸۸ الف: ص ۲۷۳) کانت عقیده داشت، از لحاظ حقوقی گناه‌کار کسی است که مرتکب عملی شده باشد که علیه حقوق دیگران است اما از لحاظ اخلاقی کسی که فقط فکر چنان عملی را در سر داشته باشد گناه‌کار است. عیسی

۱. آیات ۱۰۰ مائده، ۱۵۷ اعراف و ۱۰۳ یوسف، از دلایل قرآنی این موضوع هستند.

مسیح می‌گوید: «هرکه زنی را ببیند و هوای او کند قبلاً در دلش با او زنا کرده است.» پس کسی که دارای سرشت ناپاک است از نگاه اخلاق همیشه آلوده به گناه جنایتی است که عملاً مرتکب آن نشده است، زیرا احساس او این است که هرگاه مجال یابد اقدام به عمل خواهد کرد. ما می‌توانیم در پیشگاه دادگاه خارجی بی‌گناه باشیم اما در مقابل دادگاه درونی ممکن نیست. (همان: ص ۲۹۰) او در این زمینه به تشریح موضوعاتی هم چون دشمنی پنهان و حسد و مضرات اخلاقی آن نیز می‌پردازد و از صداقت به عنوان مهم‌ترین تکلیف اخلاقی ما نسبت به دیگران یاد می‌کند. کانت بیان می‌داشت: انسانیت یک ارزش است زیرا انسان نمی‌تواند از هیچ انسان دیگری به عنوان صرف وسیله استفاده کند (نه برای خود و نه برای دیگران) بلکه باید همواره دیگران را به عنوان غایت در نظر داشته باشد به همان ترتیب که نمی‌تواند شخصیت خود را به هیچ قیمتی از دست بدهد، نمی‌تواند برخلاف ارزش ذاتی و ضروری دیگران به عنوان انسان عمل کند. او ملزم است ارزش انسانیت را در هر یک از انسان‌های دیگر عملاً بازشناسد. (کانت، ۱۳۸۸ ب. ص ۱۳۶)

ایمانوئل کانت اظهار می‌داشت، انسان باید به دیگران همان حقی را اعطا نماید که او از آن برخوردار گشته است جستجوی خوشبختی به شیوه‌ای که خویشتن آن را برای خود مناسب می‌بیند، حق اوست مادامی که به حق دیگران برای جستجوی همین غایت تعدی ننماید. (هیدن، ۱۳۹۲: ص ۲۰۱)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بخش‌هایی از نظرات کانت را می‌توان نزدیک به تعالیم مکتب اسلام دانست.

اخلاق حق مدار که عمدتاً و امداً و مدار سیستم اخلاقی کانتی است، به عنوان نظامی اخلاقی، موجه و مبنای استاندارد و هنجارهای حقوق بشری است. آموزه اصلی در اندیشه او این است که تمام افراد جامعه از حقوق بنیادین برابر برخوردارند. تا زمانی که نظام حقوقی در پی تحقق این آموزه اخلاقی است، جهت‌گیری آن جهت‌گیری عادلانه است. عدالت در رویکرد اخلاقی حق مدار در نهایت، در تضمین حقوق بنیادین بشر، محقق می‌شود. اسناد حقوق بشری، مقررات حقوقی، آراء قضایی همه و همه در واقع متاثر از حق‌های اخلاقی انسان خواهد بود.

(قاری سید فاطمی، ۱۳۸۱: ص ۲۷)

در مقابل برخی دیگر از اندیشمندان غربی، دیدگاه‌هایی متفاوت با کانت در زمینه اخلاق دارند؛ توماس هابز - فیلسوف انگلیسی قرن ۱۶ و ۱۷ - معتقد بود: «میزان اخلاق و بنیادش بر سود و زیان است و نیک و بد، امور نسبی هستند؛ یعنی حسن و قبح امور، بر حسب سود و زیان آنهاست و نیک و بد، داد و ببداد، در نفس امر و حد ذات، حقیقت ندارد و آن چه نفع شخصی و لذت فردی در آن است، همان نیک است. بنابراین، مایه کارهای انسان، خودخواهی است» (K. برتراند راسل از پیشگامان فلسفه اخلاق در غرب بود و در این زمینه فعالیت می‌کرد. Potter ۲۰۰۶) او با نسبی قلمداد کردن اخلاق می‌نویسد: «وجدان اخلاقی و محبت نوع و نوع دوستی و امثال این حرف‌ها به درد نمی‌خورد؛ اخلاق از این ناشی می‌شود که انسان فکر دورانندیش داشته باشد و وقتی انسان، دورانندیش بود، حساب می‌کند که مصلحت او در این است که رعایت نوع را بکند.» او می‌گوید: «مثلاً، من گاو همسایه را نمی‌دزدم؛ زیرا می‌دانم که اگر من گاو او را بدزدم، آن همسایه، و یا دیگری گاو مرا می‌دزدد.» او می‌گوید: «آدم فکر می‌کند و می‌بیند که اگر بخواهد با دیگری بد اخلاقی کند، او هم بد اخلاقی می‌کند...» این سخن، پایه اخلاق را از اساس متزلزل می‌کند؛ یعنی، این اخلاق، در جایی حکم می‌کند که قدرت‌ها متساوی باشند... اما آنجایی که یک طرف قوی و طرف دیگر ضعیف است و قوی صد درصد مطمئن است که ضعیف، اساساً نمی‌تواند کاری کند، هیچ نیرو و عاملی نمی‌تواند وجود داشته باشد که قوی را دعوت به اخلاق کند. (مطهری، ۱۳۷۳؛ ص: ۷۴ و ۷۵) او می‌گوید: اگر «برهنگی» مد می‌شد، مسلماً مردان از دیدن بدن برهنه یک زن، دچار تحریک نمی‌شدند. راسل معتقد است که احساساتی نظیر احساس شرم، حیا، عفاف و تقوا، مانع ارضای جنسی هستند و باید از بین بروند. (احمدی، ۱۳۸۵؛ ص: ۱۴۳)

نیچه - فیلسوف غربی قرن ۱۹ م - می‌گوید: «بحث در این که دنیا خوب است یا بد و حقیقت آن چیست بیهوده است؛ اما می‌دانیم که خوب یا بد به دنیا آمده ایم و باید از دنیا هر چه بیشتر متمتع شویم. پس آن چه برای حصول این مقصود مساعد است - اگر چه قساوت و بی‌رحمی و مکروفریب و جنگ و جدال باشد - خوب است، و آن چه مزاحم این غرض است - اگر چه راستی و مهربانی و فضیلت و تقوا باشد - بد است...» (مطهری، ۱۳۸۷؛ ص: ۲۵۵)

جرمی بنتام - فیلسوف و حقوق دان قرن ۱۸ و ۱۹ م - اخلاقیات را منفعت گرایانه، عمل‌گرا و مبتنی بر پدیده‌های قابل مشاهده تجربی باور داشت و اساساً اعتقادی به حقوق طبیعی نداشت و آن را خیالبافی و داستان سرایی می‌دانست و معتقد بود حقوق طبیعی و حقوق اخلاقی تهدیدی برای نظم اجتماعی و خوشبختی عمومی می‌باشد. (هیدن، ۱۳۹۲: ص ۲۱۱) از دیدگاه بنتام مهمترین مساله انسانی عبارت از تجربه شادکامی و لذت و درد و رنج است. بنتام از فلسفه اخلاقی‌ای دفاع کرد که بر مبنای آن ارزیابی درستی و نادرستی هر عمل و یا قانونی، نفع و فایده آن است. برای مثال، در نظام حقوقی، ملاک ارزیابی، موجه بودن میزان نفعی است که یک قانون و یا یک ترتیب حقوقی به دنبال دارد؛ بدین معنا که تا چه اندازه آن قانون و یا ترتیب، شادکامی و لذت را در جامعه انسانی افزایش می‌دهد بنابراین، از دیدگاه بنتام جهت‌گیری نظام حقوقی باید به سمت به حداکثر رساندن نفع و لذت و شادی فوق و به حداقل رساندن ناکامی‌ها و دردهای فوق باشد. نظام اخلاقی بنتام، یک نظام اخلاقی نتیجه‌انگار است. نظریه نفع‌انگاران بنتام، از این نقص بنیادین رنج می‌برد که حقوق بنیادین افراد به عنوان یک مبنای تضمین شده در آن جایی ندارد. در دیدگاه نفع‌انگار بنتامی، تنها، نفع اکثریت ملاک جهت‌گیری حقوقی می‌شود. بالطبع مفهوم نفع عمومی در چنین روی‌کردی تنها و تنها ملاک اخلاقی جهت‌گیری حقوقی است. جان استوارت میل نیز راهی، نفع‌انگاران را در پیش گرفت. اما تفاوت اصلی او بر تاکید بر آزادی به عنوان یکی از نفع‌های بنیادین بود. میل به این می‌اندیشید که آزادی‌هایی چون آزادی بیان و انتشار، آزادی اندیشه و احساس، آزادی عقیده، آزادی مذهب و... آزادی‌هایی هستند که باید در جامعه به حداکثر ممکن رسانیده شوند. البته او «اصل لاضرر» را به عنوان تعدیل‌کننده‌ای، برای اعمال آزادی‌ها بکار می‌گرفت. (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۱: ص ۲۵)

در واقع، اخلاق در غرب، اخلاق انتفاعی است نه ایمانی. آن‌چه در شأن انسان است، اخلاق ایمانی است نه انتفاعی. مسائل اخلاقی آن‌گاه که بر محور ایمان باشد، فضیلت دارد؛ محبت، عاطفه، گذشت، انفاق، مدارا و... آن‌گاه که بر محور سودجویی، غریزه جنسی، فردپرستی، حب ذات و لذت‌جویی و زیباگرایی دنیوی باشد، نه تنها دارای فضیلت نیست؛

بلکه همان اخلاق دنیوی است. اخلاق در فرهنگ غرب، انسان و زندگی انسانی را عملاً عبث دانسته و انسان را موجودی می‌داند که به خود واگذاشته شده و مقصد و هدفی جز گذراندن دنیا ندارد.

یکی از مباحث مهمی که در بخش امنیت اخلاقی در دیدگاه مکتب اسلام به آن پرداخته شد موضوع روابط بین زن و مرد و حدود و ثغور آن در اسلام بود. اما این موضوع در غرب مدرن حکایت دیگری دارد. زیگموند فروید - روان‌کاو اروپایی قرن ۱۸ و ۱۹ - اعتقاد داشت: که اخلاق کهن در امور جنسی را باید واژگون کرد. او معتقد بود که اخلاق جنسی کهن براساس ممنوعیت‌ها و محرومیت‌ها به وجود آمده است و باید این محدودیت‌ها برداشته شود و برای این که بشر از توجه دائم به امور جنسی و عوارض ناشی از آن منصرف شود، یگانه راه صحیح، آن است که همه قیود اجتماعی و اخلاقی از زندگی جنسی انسان‌ها، لغو و به او آزادی بی‌مرز داده شود. (احمدی، ۱۳۸۵: ص ۱۴۳) اخلاق نوین جنسی غرب بر محور شکستن قیود کهن و رفع منع‌ها و محدودیت‌های قانونی گذشته می‌چرخد. موضوعی که مورد توجه قرار گرفته است کامیابی آزادانه زنان و مردان از معاشرت‌های لذت بخش جنسی است. زن و مرد نه تنها قبل از ازدواج باید از معاشرت‌های لذت بخش آزادانه جنسی بهره‌مند باشند، بلکه ازدواج نیز نباید مانعی در این راه بشمار آید، زیرا فلسفه ازدواج و انتخاب همسر قانونی اطمینان‌پدر است به پدری خود نسبت به فرزندی که از زن معینی بدنیا می‌آید. این اطمینان را با بکار بستن داروهای ضد آبستنی که مخصوصاً پیشرفت طب امروز آنها را به بشر ارزانی داشته است می‌توان بدست آورد. بنابراین هر یک از زن و مرد می‌توانند علاوه بر همسر قانونی، عشاق و معشوقه‌های فراوانی داشته باشند. (مطهری، ۱۳۸۷ الف، ص ۶۴۰)

۴-۱. آزادی و اخلاق

هرجا سخن از حقوق بشر به میان آمده است، آزادی را مهم‌ترین رکن آن دانسته‌اند، از مجموع سی اصل اعلامیه جهانی حقوق بشر هجده اصل درباره‌ی آزادی است که تنها نشانه اهمیت آزادی نیست بلکه نگرانی از زیرپا نهادن آن است. مردم زمانی به حق و آزادی دیگران

گردن می‌نهند که متقاعد شده باشند که حق‌ها و آزادی‌ها در گرو هم دیگرند و هریک چنان مرزبندی می‌شود که مانعی در برابر دیگری پیش‌نیاز و ولی باید اطمینان یابد که این مرزبندی بر اساس عادلانه‌ای صورت گرفته است. انسان با چشم‌پوشی از تعدادی از آزادی‌های خویش، چشم دارد که در برابرش، امنیت خاطر و عدالت اجتماعی عاید خویش کند. این چشم‌پوشی نتیجه انتخاب خواست‌هاست که در درون فرد صورت می‌گیرد. (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۲: صص ۷۳ تا ۸۲)

ظهور تاریخی حقوق فردی که به طور گریزناپذیری به پدید آمدن فردگرایی متصل گردید، دچار دگرگونی‌های مهم شد و حقوق وابسته به فرد، تغییرات موازی را تجربه نمود. اکنون درک این‌که جوامع متشکل از گروه‌های قابل شناسایی که می‌توانند دارای حقوق شوند یا ممکن است ملزم به تایید و تقویت آن حقوق شوند، امری بدیهی است (مانند خانواده، گروه‌های قومی و اتحادیه‌های کارگری)، لکن این روی‌کرد نسبت به جامعه کماکان با خصومت برخورد می‌کند. (فریدن، ۱۳۸۴: ص ۹۳)

آزادی فارغ بودن قیدهای برون است که اجتماع یا حکومت بر شخص تحمیل کرده است و آزادگی فارغ بودن از قید درون که نفس انسان بر او گمارده. تمدن جدید اروپایی خیلی بیشتر به آزادی یعنی سازمان دموکراتیک اهمیت داده است تا به آزادگی. بشر امروز باید بیاموزد که مقداری آزادگی را در کنار آزادی قرار دهد. آیا فرصت برای همیشه از دست رفته است؟ به نظر می‌رسد که زمینه آن خیلی کم شده و نمی‌توان امیدوار بود که اخلاق کهن به جهان بازگردد. آن‌چه مایه تأسف است آن است که دنیای امروز هنوز چیزی به جای آن نیافته است. شاید این دو متعارض باشند: اخلاق کهن و نظم نو، ولی به هر حال عنان گسیختگی خواست‌ها که ناشی از منسوخ شدن آزادگی است، جامعه‌ها را می‌برد به آن سرنوشت پیش‌بینی‌ناپذیری. (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۲: صص ۱۳۷ تا ۱۳۹)

یکی از نقاط تمایز آزادی در فرهنگ اسلامی، تأکید بر آزادی معنوی و آزادی درونی در کنار آزادی اجتماعی است. حتی آزادی معنوی در نگرش و شیوه رفتار مسلمانان در مورد آزادی اجتماعی و اهداف انسانی‌شان در رسیدن به کمال و حفاظت از حقوق جامعه و پای مال

نشدن آن حقوق تأثیر خواهد داشت. در آموزه‌های دینی، چیرگی بر نفس و غریزه‌ها، آزادی و رهایی از بند شهوت‌ها شمرده شده است. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ كَانْ حُرًّا؛ هر کس خواهش‌های نفس را رها کند آزاد است.» (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۸۰: ص ۸۹)

۲-۴. امنیت اخلاقی در اسناد حقوق بشر

یکی از قدیمی‌ترین اسناد حقوق بشری، اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مورخ ۱۷۸۹ است. در این اعلامیه ضمن اعلام حقوق بشر و شهروند، تکالیف او را نیز مشروحاً بیان می‌کند. این تکالیف بیشتر جنبه اخلاق اجتماعی به خود می‌گیرد تا تکالیف حقوقی که در هر حال باید الهام‌بخش قانون‌گذار عادی باشد. (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۲: ص ۳۴)

۱-۲-۴. اعلامیه جهانی حقوق بشر

در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، فرد در برابر جامعه‌ای موظف معرفی می‌شود که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد. تنها محدودیت‌های پذیرفته شده در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های فردی محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و با رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده باشد. (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۸۸: ص ۷۶)

همچنین در ماده ۲۲ این اعلامیه حق اجتماع آزادانه تابع محدودیتی نیست مگر آن‌چه که به موجب قانون مقرر گردیده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیتی ملی یا ایمنی عمومی - نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد.

۴-۲-۲. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

در ماده دوازدهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱، حق رفت و آمد آزاد و انتخاب آزادانه محل اقامت خود در قلمرو کشور و نیز ترک کشور پیش‌بینی گردیده لکن محدودیتهایی که برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی یا رعایت حقوق و آزادی‌های دیگران، ضروری بوده و بوسیله قانون مقرر گشته است و با دیگر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد، پذیرفته شده است.

در ماده چهاردهم در موضوع رسیدگی علنی در دادگاه‌های قانونی، مطبوعات و افکار عمومی ممکن است از تمام و یا قسمتی از دادگاه بدلائیل اخلاقی، نظم عمومی و یا امنیت ملی در یک جامعه مردم سالار منع شوند. همچنین وقتی مصلحت زندگی خصوصی طرفین دعوی اقتضا کند، محرمانه بودن جلسات دادگاه در تمام و یا قسمتی از دادرسی امکان دارد. در بند (۳) ماده هیجدهم، آمده است: «در صورتی ممکن است آزادی بیان، مذهب یا اعتقادات کسی محدود گردد که بموجب قانون آن‌هم در جهت حفظ امنیت عمومی، نظم، سلامتی اخلاق یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران، پیش‌بینی شده باشد.»

همچنین در این ماده موضوع آزادی والدین و سرپرستان قانونی در مورد آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان خود و مطابق با عقایدشان محترم شمرده شده است. (مشابه مفاد ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)

در ماده نوزدهم بیان شده که حق آزادی بیان، می‌تواند تابع محدودیت‌هایی شود که به وسیله قانون و بنا به ضرورت‌های «احترام حقوق یا حیثیت دیگران» و «حفظ امنیت ملی یا نظم و سلامت و اخلاق عمومی» وضع گردیده است.

همچنین در ماده بیست و یکم حق تشکیل مسالمت‌آمیز مجامع به رسمیت شناخته شده، لکن محدودیت مطابق قانون آن‌هم در یک جامعه دموکراتیک و بطور ضروری در جهت نفع (مصلحت) امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادی‌های دیگران پذیرفته شده است. این موضوع در ماده بیست و دوم

۱. International Covenant on Civil and Political Rights of the United Nations (۱۹۶۶). www.hrlibrary.umn.edu

در خصوص حق آزادی (تشکیل) اجتماعات با دیگران نیز با عبارتی مشابه محدودیت‌های موضوع ماده بیست و یکم بیان شده است. هرچند حدود و ثغور محدودیت‌های مربوط به حوزه اخلاق در این اسناد بیان نگردیده است، لکن همین ذکر محدودیت‌ها نشان از اهمیت موضوع رعایت اخلاق در آزادی‌های بشری دارد.

۴-۲-۳. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

در ماده دهم میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد^۱، بر محافظت و مساعدت گسترده از خانواده که عنصر طبیعی و رکن بنیادین جامعه است تأکید شده و استخدام کودکان و افراد جوان که برای اخلاق و سلامتی آنها زیان‌آور است طبق قانون قابل مجازات می‌باشد.

در ماده سیزدهم دولتهای عضو این میثاق متعهد شده‌اند، حقوق والدین را جهت آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان بر طبق معتقدات خود رعایت نمایند.

نتیجه

۱. با وجود اشتراکات بین حقوق بشر در اسلام و حقوق بشر معاصر، به دلیل تفاوت در مبانی مکتب اسلام و مکاتب غربی، تفاوت‌های اساسی بین این دو نیز وجود دارد.
۲. امنیت اخلاقی در اسلام به دلیل تأکید بر حق همراه با تکلیف، عدم نگاه فردگرایانه، و تأکید بر موضوع امر به معروف و نهی از منکر، اهمیتی فراتر از آن در حقوق بشر معاصر غرب دارد. در نظام اسلامی فرد و جامعه هر دو اصیل‌اند. بدین معنی که همه افراد از تمام حقوق و آزادی‌های معقول فردی تا آن حد که به مبانی و شئون جامعه اسلامی لطمه و صدمه‌ای وارد نکند برخوردارند. لذا حوزه خصوصی در فرهنگ اسلامی کوچک‌تر از قلمرو رایج در جهان معاصر و حوزه عمومی آن گسترده‌تر از حد آن در سایر جوامع است.
۳. از پیامدهای دوران مدرن، اندیشه انسان‌گرایی، سکولاریسم و فردگرایی است.

۱. International Covenant of Economic, Social and Cultural Rights of the United Nations (۱۹۶۶). www.ohchr.org

عملکرد انسان غربی از جهان بینی وی جدایی پذیر نیست و دارای اصولی است که اساس جهت گیری های سیاسی، فلسفی، عملی و اخلاقی او را تشکیل می دهد.

۴. در زمینه اخلاق، می بایست ایمانوئل کانت را از سایر اندیشمندان غربی متمایز ساخت. او نسبت به موضوع اخلاق متفاوت نسبت به سایر متفکران عصر مدرن، نگاهی غیرمادی دارد. در مقابل بسیاری از متفکران غربی نگاهی مادی گرایانه به اخلاق دارند و نتیجه این نوع تفکر که پایه مکاتب غربی است، در نگاه به موضوع امنیت اخلاقی موثر است.

۵. در غرب معاصر، هرچا سخن از حقوق بشر به میان آمده است، آزادی مهم ترین رکن آن دانسته شده، آزادی فارغ بودن قیدهای برون است که اجتماع یا حکومت بر شخص تحمیل کرده است. در این جوامع به آزادی که فارغ بودن از قید درون است کم تر توجه شده است. این در حالی است که در مکتب اسلام هم به موضوع آزادی و هم به آزادی توجه شده، لذا امنیت اخلاقی در جامعه اسلامی اهمیتی فراتر از آن در حقوق بشر معاصر دارد.

۶. در سه سند مهم حقوق بشر، یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین، محدودیت هایی بر آزادی بشر به جهت رعایت حوزه اخلاق ذکر گردیده است که نشان از اهمیت موضوع دارد.

منابع

کتاب

قرآن مجید.

۱. آمدی، عبدالواحد ابن محمد. غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتب الاسلامیه. بی تا
۲. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، قم، دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۸۰
۳. اسلامی ندوشن، محمد علی. ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم. تهران، انتشارات آرمان. ۱۳۷۲
۴. افتخاری اصغر و همکاران. قدرت نرم، فرهنگ و امنیت. تهران، دانشگاه امام صادق ۱۳۸۷.
۵. جوادی آملی. عبدالله. حق و تکلیف در اسلام. قم، اسرا. ۱۳۸۵
۶. جوادی آملی. عبدالله. فلسفه حقوق بشر. قم، اسراء ۱۳۸۶.
۷. طباطبایی مومنی. منوچهر. آزادی‌های عمومی و حقوق بشر. تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۲
۸. فریدن مایکل. مبانی حقوق بشر. ترجمه فریدون مجلسی. تهران، انتشارات وزارت خارجه ۱۳۸۴
۹. قرائتی محسن. امر به معروف و نهی از منکر. تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. ۱۳۷۵
۱۰. کانت. ایمانوئل. درس‌های فلسفه اخلاق ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی. تهران، نقش و نگار. ۱۳۸۸ الف
۱۱. کانت. ایمانوئل. فلسفه فضیلت. ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی. تهران، نقش و نگار. ۱۳۸۸
۱۲. کدیور محسن. حق الناس. اسلام و حقوق بشر. تهران، انتشارات کویر. ۱۳۸۷
۱۳. مصباح یزدی محمد تقی. نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام. قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ۱۳۸۸
۱۴. مطهری مرتضی. آزادی معنوی. قم، انتشارات صدرا. ۱۳۸۵
۱۵. مطهری مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام. قم، انتشارات صدرا. ۱۳۷۳

۱۶. مطهری مرتضی. مجموعه آثار شهید مطهری. جلد ۱۹. قم، انتشارات صدرا. ۱۳۸۷ الف
۱۷. مطهری مرتضی. مجموعه آثار شهید مطهری. جلد ۲۳. قم، انتشارات صدرا. ۱۳۸۷ ب
۱۸. معین محمد فرهنگ فارسی. تهران، امیرکبیر ۱۳۸۶
۱۹. میرموسوی سید علی. حقیقت سید صادق. مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۳۸۸
۲۰. هاشمی. سید محمد. حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. میزان. ۱۳۹۳.
۲۱. هیدن. پاتریک. فلسفه حقوق بشر. ترجمه مهدی یوسفی و رضا علیمردانی. نشر مخاطب. ۱۳۹۲

مقالات

۱. احمدی، مهدی. امنیت اخلاقی از نگاه نبوی. مجله فرهنگ کوثر. شماره ۶۸. زمستان ۱۳۸۵
۲. اسلامی، روح اله. فاطمه ذوالفقاریان، نقد حقوق بشر در افق حکومت مندی. مجله سیاست خارجی. شماره ۱۰۱. تابستان ۱۳۹۱
۳. ترابی، یوسف. امنیت اخلاقی در سپهر اندیشه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای. مجله پژوهش‌های انقلاب اسلامی. شماره ۸. بهار ۱۳۹۳.
۴. دارابی، علی. نگاهی نوبه مقوله‌ی امنیت در جمهوری اسلامی ایران. مجله اندیشه انقلاب اسلامی. شماره ۶. تابستان ۱۳۸۲
۵. ذاکراصفهانی، علی‌رضا. زهرا صادقی، رویکرد اجتماعی به امنیت و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران: تهدیدات و راهکارها. مجله پژوهش حقوق عمومی. شماره ۲۵. زمستان ۱۳۸۷
۶. رضایی، زهرا. تبیین رابطه اخلاق و امنیت فرهنگی مجله پژوهشنامه. شماره ۷۶. تابستان ۱۳۹۰
۷. رفیع، حسین. قربی، سید محمد جواد. تحصیل امنیت اخلاقی و ارزشی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مجله مهندسی فرهنگی. شماره ۷۵. بهار ۱۳۹۲
۸. صادقی، زهرا. عنایت‌الله یزدانی، امنیت اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران در قالب

تهدیدات فرهنگی - اجتماعی. مجله مهندسی فرهنگی. شماره ۳۹ و ۴۰. فروردین و اردیبهشت

۱۳۸۹

۹. قاری سید فاطمی، سید محمد. نظریات اخلاقی در آئینه حقوق. فصلنامه نامه مفید،.

شماره ۲۹. ۱۳۸۱.

۱۰. مرجوی، مصطفی. زن از دیدگاه غرب و اسلام. سایت راسخون به نشانی. www.rasekhoon.net

۱۳۸۹.net

منابع لاتین

۱. International Covenant of Economic, Social and Cultural Rights of the United Nations (۱۹۶۶). www.ohchr.org

۲. International Covenant on Civil and Political Rights of the United Nations (۱۹۶۶). www.hrlibrary.umn.edu

۳. K. Potter. Michael (۲۰۰۶) Bertrand Russell's Ethics. Continuum Studies in British Philosophy.

۴. Kant. immanuel (۱۹۹۹). practicalphilosophy.cambridge.

۵. Universal Declaration of Human Rights. www.ohchr.org

منابع اینترنتی

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه. <http://www.hawzah.net>

۲. پایگاه جامع استاد شهید مرتضی مطهری <http://www.mortezamotahari.com>

۳. سایت راسخون به نشانی www.rasekhoon.net

۴. کتابخانه الکترونیکی استاد شهید مرتضی مطهری. <http://lib.motahari.ir>

۵. کتابخانه مدرسه فقاہت به آدرس <http://lib.eshia.ir>

۶. مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد - تهران به نشانی اینترنتی <http://www.unic-ir.org>